

تأویل ما نزل من القرآن الکریم

فی النبی و آله صلی الله علیهم

● محمد مهدی موحد

انسان‌های برگزیده الهی، کلمات و بیانات بلند علمی، معنوی، اخلاقی و ... آنان، سخنان شخصیت‌های بزرگ جهان در طول تاریخ درباره آنان، دریای بی‌کران فضایل خاندان عصمت و طهارت را معرفی نمود.

یکی از راه‌های معرفی اهلبیت علیهم‌السلام، ترسیم فضایل و مناقب آنان در آینه آیات قرآن کریم است. در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که یا در شأن اهلبیت علیهم‌السلام نازل شده و یا این خانواده مصداق بارز و نمود خارجی آن بوده‌اند.

تأویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی و آله صلی الله علیهم، محمد بن العباس بن علی بن مروان بن الماهیار البزاز المعروف بابن الجحام، با تحقیق و مقدمه فارس تبریزیان، الهادی، الاولی، ۱۴۲۰ هـ. ق - ۱۳۷۸ هـ. ش، ۵۲۵ ص.

چهره تابناک پیامبر عظیم‌الشأن اسلام و خاندان پاک و معصوم آن حضرت را از راه‌های مختلفی می‌توان شناسایی و معرفی کرد. از جمله می‌توان با بیان سیره و روش عملی آن

کتاب مورد بررسی یکی از بهترین کتاب‌ها برای معرفی اهل‌بیت علیهم‌السلام از راه اخیر است.

در این کتاب با نقل ۵۶۵ حدیث از پیامبر اکرم، ائمه اطهار و صحابه در ذیل ۵۹۰ آیه از قرآن کریم که به ترتیب سوره‌های قرآن از حمد تا اخلاص ترتیب یافته، سیمای درخشان اهل‌بیت در قرآن کریم ترسیم‌گریده است. مطالعه این اثر برای مبلغان دینی و استفاده از آن در تبلیغات اسلامی مخصوصاً در سال امیرالمؤمنین علیه‌السلام معتنم است.

این کتاب از جهاتی حائز اهمیت است:

الف: این اثر به خاطر سندهای عالی که مؤلف برای روایات ذکر کرده است، در میان کتاب‌هایی که در این موضوع تألیف شده، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

ب: در این کتاب از شیعه و سنی، روایت نقل شده است و از این نظر برای احتجاج مناسب است.

ج: مؤلف کتاب از بزرگان امامیه، در قرن چهارم هجری است و با واسطه اندکی از منبع صدور روایت، حدیث نقل می‌کند. (ابن الجحّام رحمته‌الله معاصر کلینی رحمته‌الله بوده است.)

ابن الجحّام مورد توثیق علمای امامیه است، و شخصیت‌هایی چون نجاشی^(۱)، علامه حلی^(۲) و ابن داود حلی^(۳) در کتاب‌های رجال خود و نیز ابن طاووس در کتاب الیقین^(۴) و مرحوم مجلسی در

بحار الانوار^(۵) از او به بزرگی یاد کرده و او را از بزرگان امامیه دانسته‌اند.

کتاب‌هایی چون: الاصول، الاوائل، تأویل ما نزل من اعدائهم، تأویل ما نزل فی شیعتهم، التفسیر الکبیر، الدواجن، قراءه امیرالمؤمنین علیه‌السلام، قراءه اهل البیت علیهم‌السلام، المقنع فی الفقه، الناسخ و النسوخ را به این الجحّام نسبت داده‌اند که هیچ یک از این آثار در حال حاضر در دست نیست. تنها کتاب باقی مانده از این مؤلف، کتاب «تأویل ما نزل من القرآن الکریم فی التبی و آله صلی الله علیهم» است.

چند فراز از این اثر

برای معرفی بهتر این کتاب چند فراز از مطالب مطرح شده در آن را تقدیم می‌داریم:

۱- مقام فاطمه علیها‌السلام

«کَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^(۶)؛ «هر زمان زکریا وارد محراب او (مریم) می‌شد، غذایی [مخصوص] در آن جا می‌دید. گفت: ای مریم! این غذا را از کجا آورده‌ای؟! پاسخ داد: از سوی خداوند است و خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.»

ابوسعید خدری می‌گوید: جامه‌ای که با طلا بافته شده بود، به پیامبر اکرم هدیه شد. آن

تأویل
ما نزل من القرآن الکریم
فی النبی و آلہ صلی اللہ علیہم

=====

ابن الجحام

زدند. [علی علیه السلام] به سوی آن‌ها [از خانه] خارج شد در حالی که از حیا عرق کرده بود، چون در خانه‌اش کم یا زیاد [هیچ خوردنی] نبود. رسول خدا و مهاجرین و انصار داخل شده، نشستند و علی علیه السلام بر فاطمه علیها السلام داخل شد. یکباره کاسه بزرگی پر از غذا (ترید) مشاهده کرد که استخوان با گوشت روی آن بود و بوی مشک بسیار خوش بو، از آن بر می‌خاست. علی علیه السلام [برای برداشتن ظرف غذا] دست خود را بر آن زد ولی قدرت حمل آن را نداشت. فاطمه او را برای حمل ظرف کمک کرد تا آن را بیرون برده و در مقابل رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم گذاشت. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بر فاطمه علیها السلام وارد شد و فرمود: «أی بنیة ائی لک هذا؟» دخترم این را از کجا آوردی؟»

فاطمه علیها السلام عرض کرد: «یا ایت هو من

جامه را پادشاه حبشه هدیه کرده بود. پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: «لا عظمتها رجلا یحب اللہ و رسوله و یحبہ اللہ و رسوله؛ این جامه را به مردی خواهم بخشید که خدا و رسول او را دوست دارد. و خدا و رسول نیز او را دوست دارند.» پس اصحاب محمد؛ رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم گردن‌های خود را کشیدند. [تا بدانند آن فرد کیست.] رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: «این علی؟»

علی کجاست؟»

عمار یاسر گفت: وقتی آن [سخن] را شنیدم، [از جای خود] جستم تا به نزد علی علیه السلام آمدم [و ماجرا را] به او خبر دادم. او آمد و رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم جامه را به او داد و فرمود: این جامه مال توست. [علی علیه السلام] آن را به بازار شهر برد، آن را رشته رشته باز کرد و در میان مهاجرین و انصار تقسیم نمود. آنگاه به منزلش برگشت در حالی که دیناری از آن با او نبود.

فردای آن روز پیامبر اکرم او را دید و فرمود: «یا ابا الحسن اخذت امس ثلاثة آلاف مثال من ذهب، فانا و المهاجرون و الانصار نتغذی عندک غذا؛ ای ابا الحسن! دیروز به اندازه سه هزار دینار طلا گرفتی، پس من و مهاجرین و انصار فردا [میهمان تو خواهیم بود و] نزد تو غذا خواهیم خورد.»

علی علیه السلام قبول کرد. چون فردای آن روز فرا رسید، پیامبر در میان مهاجرین و انصار [به سوی خانه علی علیه السلام] روی آورد تا این که در را

عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب؛
بابا! این [غذا] از جانب خداست. خدا به هر که
بخواهد بی حساب روزی می دهد.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «الحمد لله الذي لم
يخرجني من الدنيا حتى رأيت في ابنتي ما
رأى زكريا في مريم بنت عمران؛ سپاس
خدایی را که مرا از دنیا خارج نکرد، تا در مورد
دخترم چیزی را دیدم که زکریا در مورد مریم
دختر عمران دید.»

سپس فاطمه عليها السلام عرض کرد: «يا ابا انا
خير ام مريم؟ بابا! آیا من بهترم یا مریم؟»
رسول خدا ﷺ فرمود: «انت في قومك و
مريم في قومها؛ تو در قوم خودت و مریم در
قوم خودش.» (۷)

۲- فضیلت علی عليه السلام

«انما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا
الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكاة و هم
راكعون» (۸)؛ «سرپرست و ولی شما، تنها
خداست و پیامبر او و آن ها که ایمان آورده اند؛
همان ها که نماز را برپا می دارند، و در حال
رکوع، زکات می دهند.»

ابو رافع می گوید: بر رسول خدا ﷺ وارد
شدم در حالی که خواب بود یا به او وحی
می شد. ناگهان دیدم ماری در کنار خانه است.
نپسندیدم که مار را بکشم و او را بیدار کنم.
گمان می کردم که به پیامبر وحی می شود. خود
را بین پیامبر و مار قرار دادم تا اگر از ناحیه آن

مار بدی برسد به من برسد نه به او.

پیامبر ﷺ بیدار شد در حالی که این آیه را
تلاوت می کرد: «انما وليكم الله ورسوله
والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون
الزكاة و هم راکعون». و سپس فرمود: «الحمد
لله الذي اكمل لعلي نعمه و هنيئا لعلي
بتفضيل الله اياه؛ سپاس خدای را که
نعمت هایش را برای علی کامل کرد و گوارا باد
برای علی به خاطر فضیلت دادن خدا به او.»

سپس به من رو کرد و فرمود: «ما يضجعك
ها هنا؟ چه باعث شد که این جا قرار بگیری؟»
او را از ماجرا خبر دادم. به من فرمود: به سویش
برد و آن را بکش، من آن را کشتم. سپس رسول
خدا دستم را گرفت و فرمود: «... انه سيقاتله
قوم يكون حقا في الله جهادهم، فمن
لم يستطع جهادهم بيده فجاهدهم بلسانه، فان
لم يستطع بلسانه فجاهدهم بقلبه، ليس وراء
ذلك شيء، و هو على الحق و هم على
الباطل...؛ به زودی گروهی با او (علی عليه السلام)
می جنگند که جهاد با آن ها در راه خداوند حق
است. پس هر که نمی تواند با دستش با آن ها
مبارزه کند، باید با زبانش با آن ها بجنگد.

پس اگر با زبانش نتوانست، باید با قلبش با
آن ها مبارزه کند. غیر از این چیزی نیست. او بر
حق و آن ها بر باطلند...»

عمر بن خطاب می گوید: «اخرجت من مالي
صدقة يتصدق بها عني و انا راکع اربعاً و

عشرين مرة علي ان ينزل في ما نزل في علي،
فما نزل الا ٢٤ مرتبه از مال خود صدقه‌ای را
جدا کردم، تا از طرف من در حالی که رکوع
کننده‌ام صدقه داده شود، برای این که آنچه
در باره علی نازل شد در مورد من نیز نازل شود،
ولی نازل نشد» (۹)

۳- امتحان الهی

«احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و
هم لا يفتنون» (۱۰)؛ آیا مردم گمان کرده‌اند که
همین که بگویند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و
آزمایش نخواهند شد؟»

امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارش امام
علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «لما نزلت
﴿الم احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و
هم لا يفتنون﴾، قلت: يا رسول الله ما هذه
الفتنة؟ قال: يا علي انك مبتلى بك وانك
مخاضم فاعد للخصومة؛ وقتی آیه ﴿احسب
الناس...﴾ نازل شد، عرض کردم ای رسول
خدا این فتنه و آزمایش چیست؟ فرمود:
ای علی! تو مبتلا می‌شوی و مورد خصومت
قرار می‌گیری، پس آماده خصومت باش.»

سماعة بن مهران می‌گوید:

شبی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد بود. همین
که نزدیک صبح شد، امیرالمؤمنین علی علیه السلام
داخل [مسجد] شد. رسول خدا او را صدا زد: ای
علی! پاسخ داد: بله. فرمود:

«هلم اليّ؛ به سوی من بیا.» وقتی به او

نزدیک شد فرمود: «يا عليّ بت اللبيلة حيث
تراني، وقد سألت ربّي الف حاجة فقضاها
لي، و سألت لك مثلها فقضاها لك، و سألت
لك ربّي ان يجمع لك امّتي من بعدي فابى
عليّ ربّي فقال: ﴿الم احسب الناس ان يتركوا
ان يقولوا آمنا و هم لا يفتنون﴾؛ ای علی! همان
گونه که مرا می‌بینی، شب را بیتوته کردم و از
خدای خود هزار حاجت خواستم که برایم
اجابت کرد و برای تو مثل آن [حاجت‌ها] را
درخواست کردم، که برای تو اجابت کرد. و برای
تو از خدای خود درخواست کردم که بعد از من
امتم را برایت جمع [و متحد] کند ولی
پروردگام از من امتناع کرد، و فرمود: آیا مردم
گمان کرده‌اند که همینکه بگویند ایمان آوردیم
رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟» (۱۱)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- رجال نجاشی، ص ۳۷۹، رقم ۱۰۳۰.
- ۲- رجال علامه، ص ۱۶۱، القسم الاول.
- ۳- الرجال، ص ۱۷۵، رقم ۱۴۱۵، الباب الاول.
- ۴- اليقين، ص ۲۷۹.
- ۵- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۳.
- ۶- آل عمران / ۳۷.
- ۷- تاویل ما نزل من القرآن الکریم فی السب و آله صلی
الله عليهم، صص ۸۵ و ۸۶.
- ۸- مائده / ۵۵.
- ۹- تاویل ما نزل من القرآن الکریم فی السب و آله
صص ۹۸-۱۰۰.
- ۱۰- عنکبوت / ۲.
- ۱۱- تاویل ما نزل ...، صص ۲۲۷ و ۲۲۸.